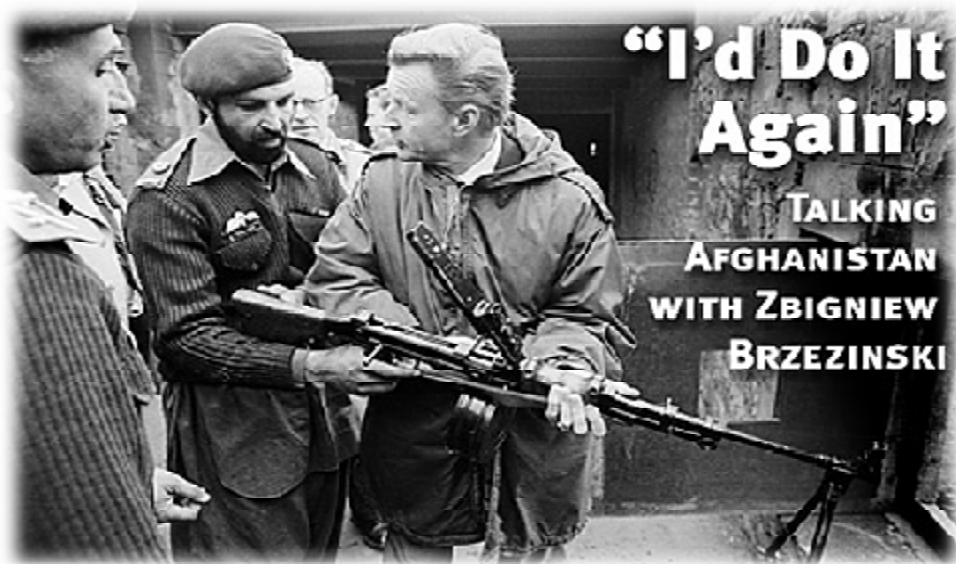




محمد عارف عرفان

رازهای حقیقی دعوت ارتش شوروی و مداخلات غرب و شرکاء در افغانستان

"بر روال فیلم های مستند"



در فراسوی رخداد قیام مسلحانه هفتم ثور:

در فرایند قیام هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی و سیر تحولات بعدی در کشور، ناوگانهای تبلیغاتی غرب و شرکاء با کاربرد مجموعی بیش از "۱۳۰" ساعت تبلیغ در "۲۴" ساعت علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، برای برانگیختن احساسات مذهبی مردم و زهرآلود ساختن ذهنیت جهانیان در خصومت با دولت جدید، تلاشهای سریع و رعد آسای را در پهنه جهان به جولان کشیدند. آنها موج عظیم رستاخیز ضد دولتی را در داخل جامعه و کشورهای همسایه، ایران و بویژه پاکستان که مقدمات پایگاه های ضد افغانی را با اسکان سران "مجاهدین" در آن کشور، که در آغازین مراحل تاسیس جمهوری محمد داوود خان آغاز یافته بود خلق نمودند. غرب مدت ها قبل از مراحل اعزام نیروهای نظامی شوروی در افغانستان، با مداخلات صریح و ارسال جنگ افزارها و تسلیح و تجهیز پیکارجویان، و ایجاد بیش از دوصد جبهه منظم ضد دولتی، که از قراء، قصبات، شهرها و نا شهر کابل و "چنداوول" و "بالاحصار" کابل امتداد یافت، کشور را بطور تمام به "آتشکده" مبدل نموده و توان دفاعی دولت را برای سرکوب آشوبهای ضد دولتی جداً به چالش کشیده و لاجرم با خطور اندیشه "بقا" در وجود گردانندگان رژیم وقت، زمینه ساز "دعوت" نیروهای شوروی در افغانستان گردیدند.

کاخ سفید که دوران متوالی حس درد آلود انتقام شکست فضاحت بار آمریکا در جنگ ویتنام را سپری نموده و از سوی در حسرت و هوای تسلط بر منابع عظیم قاره آسیا لحظه شماری مینمود، از وقوع تحولات جدید برای برنامه ریزی اهداف استراتژیک خویش از کاربرد غوغا برانگیز واژه "تجاوز!" نیروهای شوروی در افغانستان در بُعد ملی و بین المللی استفاده وسیع ابزاری نموده و جولانگاه مداخلات و تجاوزات خویش را برحرم جامعه افغانستان بیش از پیش توسعه بخشیدند.

رُخ دیگر آئینه سیاست غرب در افغانستان

اکنون که با سقوط نظام دموکراتیک در کشور، مجموع پروژه های ویرانگرانه و سبوتاژگرانه دول استعمار و استبداد در فاز اول خویش در افغانستان خاتمه یافته، و افغانستان در پی عوام فریبی ها و حيله گری های مکارانه ایشان پس از آزمایشات پروژه های "جهادی"، "طالبی" و نظام "فساد سالار" دموکراتیک نما، به تسلط عام و تام استعمار کشانیده شده است، اسناد و شواهدی تازه بی را که قطرات فلتر شده حقایق جانگداز حوادث افغانستان را احتوا مینماید، از آرشیف تاریخ خویش بیرون کشیده و بدین لحاظ قدرت و مهارت خویش را در وارونه سازی جریانات، با همه تبختر به رُخ جهانیان می کشانند.

کشور بریتانیا، درست سال پار پس از تکمیل مراحل متعارف آرشیف ملی اش که از آن مهر محرمیت بنا بر قدامت سی ساله اش برداشته شده است، افشا مینماید که: نیروهای شوروی به درخواست جمهوری دموکراتیک، به افغانستان اعزام شده و این سند که به تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۹ خورشیدی بوسیله خبرگزاری "نوستی" تحت عنوان "افشای اعمال پشت پرده غرب بعد از مداخله شوروی در افغانستان"، انتشار یافته، مشعر است که:

(. . . کمک اتحاد شوروی را رهبر افغانستان حفیظ الله امین درخواست نموده بود که از طرف نیروهای خاص اتحاد شوروی به زودی بعد از آغاز عملیات به قتل رسانده شد).

در گذرگاه وقایع جهانی و فرار حقیقت از چهار دیوار فولادین زندان های اسارتبار آرشیف های استخباراتی استعمار جهانی، اکنون اسناد "تصویری" در ورای ویدیو کلیپ های مستند که از عمق حقایق حوادث و تحولات عمیق سیاسی، دهه یی هفتاد-هشتاد در افغانستان بطور روشن و انکار ناپذیر پرده برداری نموده و بوسیله بزرگترین و مشهور ترین رسانه تصویری جهان غرب یعنی تلویزیون (CNN) ایالات متحده آمریکا تهیه شده است، ما با رخ دیگر حقایق پشت پرده حوادث کشور خویش آشنا شده و ریشه ها و انگیزه های اصلی و واقعی خلقت مصنوعی "سربازان خدا soldiers of the God"، نیات مداخله و تجاوز ایالات متحده آمریکا، برنامه سازی جهادی پاکستان، و چگونگی دعوت نیروهای شوروی در افغانستان را مشاهده مینماییم. امیدوارم آنانیکه تا کنون تحت پرده "ضخیم" بهانه "تجاوز" اتحاد شوروی، کارنامه های خونین و شرارت انگیز خویش را پنهان داشته و "قیام هفت ثور" و رژیم های مربوط به آن دورانها را طور یکسان مسبب "همه بدبختیها!" در کشور قلمداد مینمودند با نگاه نوارهای مستند، صفحه اصلی تاریخ خونین کشور و عوامل شکل دهنده آنرا به خوانش گرفته و بر عملکردهای جفاکارانه خویش به قضاوت بنشینند!

در این مبحث و نبود ظرفیت لازم درین نوشتار، با حفظ شفافیت، محتوا و مضمون تصاویر ویدیوی، خواستم تا با حفظ همه امانت داری برای خواننده گان محترمی که از امکانات دسترسی به زبان انگلیسی محروم اند، در موارد ضروری، برگردانی، تبصره، تفسیر و تحلیلهای مختصر ارائه نمایم. قابل یاد آور است که پراگراف ها و عناوین این نیشته بر اساس جریانات حوادث در نوار این ویدیوها قالب بندی شده است.

جنگ سرد و خلقت سربازان خدا (!)

- (ویدیو کلیپ -1*)- پایان صفحه

افغانستان با داشتن موقعیت خاص جیوپولیتیک، جیواستراتژیک و جیو اکونومیک خویش در حوزهء منطقوی و پیوستگی و نزدیکی آن با آسیای میانه در شمال، خلیج فارس و ایران در غرب، بحر هند و پاکستان در جنوب، پیوسته و بویژه در دههء طوفانی هشتاد، درست پس از پیروزی قیام مسلحانهء هفت ثور، در مرکز توجه ابرقدرتهای جهانی قرار گرفت و برای "ماسکو" موجودیت افغانستان به حیث کشور همسایه و دوست، حیاتی بنظر می رسید.

با پیروزی قیام ثور و برپائی جشنواره یی مردمی در حمایت از تحولات جدید، آقای "نور محمد تره کی" با تکیه بر امیدواری بسوی همکاریهای ماسکو برای تحقق برنامه های "سوسیا لیستی!" خویش توانست تا مساعدت های ماسکو را در این راستا جلب نموده و بدین وسیله صدها تن از مشاورین اتحاد شوروی به افغانستان سرازیر گردیدند. همزمان با آغاز مداخلات غرب و کشورهای همسایه ایران، پاکستان و چین، پیوست با برپایی آشوبهای ضد دولتی و با مشتعل شدن نبردهای سراسری در کشور، افغانستان آهسته آهسته ابر پاره های جنگ های رقابتی کشور گشایان را بر فراز خویش به تماشا می نشست و ایالات متحده آمریکا در این جو پر تلاطم، مصمم گردید تا با ارزش "بلیون" ها دالر، سلاح و مهمات را در این جنگ برای پیروزی "متحدین فندمنتالیست اسلامگرای" خویش و برای تامین مقاصد بلند پروازانه خود هزینه نماید. چنانچه (مدیر بخش افغانستان در سازمان سیا) Frank Anderson بو ضاحت اذعان میدارد که: این کاملاً درست است که این جنگ بخاطر تحقق اهداف "ما" و خون "آنها" ("مجاهدین" -ب) برنامه ریزی شده بود.

در بخشی از نوار در خصوص انگیزه اعتراضات مردمی علیه رژیم جدید گفته میشود که: در راستای راه اندازی رفورم های اقتصادی و اجتماعی نظام انقلابی، در چهارچوب اصلاحات ارضی، دولت، زمین های زراعتی را از ملکیت زمینداران بزرگ بیرون کشیده و برای دهاقینی که بالای آن عملاً کار مینمود توزیع می نمود. همچنان در یک شگرد دیگر قشر اناث تشویق شدند تا با برداشت حجاب سنتی خویش در کنار مردان در کورسهای سواد آموزی شرکت جویند.

راه اندازی این رفورم ها در دهات افغانستان بگونه دیگری تعبیر شده و این فرایند با رنگ مخاطره آمیز در برابر تضعیف نقش ملاها و سنت های مرسوم اجتماعی، تفسیر گردید. چنانچه درین جا برحسب برداشتهای ملا از اسلام با توجه به برنامه های رژیم، گویا این "کمونستها!" هستند که با زدایش "فقر" و ایجاد "مساوات" میان غنی و فقیر، جامعه سنتی کشور را متحول ساخته و "قانون

خداوند!" را متغییر میسازند. چنانچه با برداشت از این رفورم ها و برای جلوگیری از دکتورین این برنامه، گروه های "مجاهدین" که از طرف غربی ها به لقب "سربازان خدا!" مفتخر گردیدند، تشکیل و در برابر رژیم صف آرائی نموده و با آتش کشیدن مکاتب و دانشگاه ها "جهاد" خویش را آغاز نهادند.

بدون شک سطح شتاب و پریشهای سریع رفورمهای دولتی، بستر مناسب منازعات اجتماعی را برای بهره برداری دشمنان افغانستان بیش از پیش فراهم نموده و همزمان با جلوه گاه اوضاع برآشفته سیاسی در کشور، اسباب نگرانی جدی برای مقامات شوروی نیز فراهم شد، که در این زمینه جنرال ولادمیر کروچکوف معاون وقت "کی جی بی" می فرماید: لژیونید بریژنیف و بیروی سیاسی خواستند تا برای فرونشاندن این بحرانها، با سران رژیم افغانستان ملاقات نموده و برای آنها خاطر نشان نمایند که در حالیکه اتحاد شوروی موفق نگردید تا جامعه سوسیالیستی را طی مدت زمان شصت سال اعمار نماید؛ شما چگونه میتوانید تا طی دوران "پنج" سال سوسیالیسم را در افغانستان اعمار نمایید؟.

با ظهور اغتشاشهای سراسری در کشور، در برخی از کشورهای اسلامی و در آنسوی سرحد در کشور شاهی ایران که از القاب ژاندارم منطقه برخوردار بود، در یک برنامه ریزی منظم، موج عظیمی از اسلام گرایان به تحریک روحانیون و ملاهای ایرانی در مخالفت با تحولات افغانستان برانگیخته شده و با گردهم آئی های هیجان انگیز، کار پیوستن برای "جهاد!" افغانستان را آغاز نهادند و این پروسه در برخی از کشورهای دیگر نیز براه افتید.

خون افغان برای نفت آمریکا

همزمان با ایجاد کوره زارهای نبرد در داخل افغانستان، بریژنسکی مشاور قصر سفید، حضور دولت "چپ" در افغانستان را خطر جدی برای منافع آمریکا در منطقه قلمداد نمود و قبلا ازینکه خلاف عرف معمول تبلیغاتی بلند گویان دروغین "خطر" اسلام، بگوید که "اسلام" در خطراست، ضمن مشورت برای "کارتز" رئیس جمهور آمریکا گفت که "نفت" در خطراست. وی برای کارتز اظهار نگرانی نمود که ممکن ماسکو با استفاده از موقعیت افغانستان بسوی جنوب حرکت نموده و نفت خلیج را تصرف نماید.

در یک تحول دیگر، وقوع حوادث و تحولات سیاسی در ایران و سقوط شاه ایران به مثابه همپیمان استراتژییک آمریکا در منطقه، عزم ایالات متحده آمریکا را بیش از پیش برای مداخله در امور افغانستان و پُرساختن خلای رژیم شاهی ایران، استوار تر ساخت چنانچه بر حسب محتوای این نوار مستند، ایالات متحده آمریکا ماه ها قبل از اعزام نیروهای شوروی به افغانستان، مداخلات خویش را

از طریق پاکستان، در افغانستان آغاز نهاده و در ماه جولای سال ۱۹۷۹ یعنی "شش ماه" قبل از اعزام ارتش شوروی به افغانستان، کمک های مخفی خویش را برای جنگجویان افغانی از طریق پاکستان آغاز نهاده و دسته های "مجاهدین" (سربازان خدا!) تحت نظر دولت و سا زمان جهانی (آی اس آی) پاکستان در کمپ های مربوط، با مساعی زمینداران بزرگ و ملاهای ساخت پاکستان، تشکیل و دسته بندی گردیدند تا بخاطر نفت ایالات متحده آمریکا خونهای خویش را هدیه فرمایند.

سرآغاز دعوت ارتش شوروی در افغانستان

همزمان با تشدید بحران عظیم سیاسی- نظامی و تزئید فعالیت های تهاجمی، "مجاهدین" که با دریافت کمک های تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا میدانهای نبرد را بیش از پیش مشتعل نموده بودند، دولت، با سیل خروشان فرار افسران و سربازان از قطعات نظامی و میدانهای نبرد مواجه گردید. این جریان مهار ناپذیر، دولت را وا داشت تا از اتحاد شوروی کمک نظامی دریافت نماید. رشد روزافزون سطح عمیق بحران افغانستان رهبر اتحاد شوروی را ملزم میساخت تا پیرامون اوضاع پیشامده به بحث بپردازد. همپا با سقوط شهر هرات و قتل عام مشا ورین شوروی و فامیل های مربوط شان، طرح دعوت نیروهای شوروی در کشور در ارکان عالی دولت افغانستان در عهد شادروان نور محمد تره کی شکل گرفت و درین راستا بطور مشخص از مقامات ماسکو تقاضا بعمل آمد تا با ایجاد "قرارگاه" های نظامی، به افغانستان نیروی نظامی بفرستند. اما بنا بر قول "وسیلی سفرونچوک" مقام بلند پایه وزارت خارجه اتحادشوروی، در کرملین، رهبر اتحاد شوروی پیوسته بحران افغانستان را در پیروی سیاسی مورد بررسی قرار میداد، جانب افغانی که دیگر قادر نبود تا خود، با این بحران مقابله نماید بارها و بطور بیهم تقاضای مداخله نظامی اتحاد شوروی را پیش می کشیدند و ما مکرراً با آن مخالفت میورزیدیم؛

نقش امین و حوادث خونین

- (ویدیو کلیپ -2*)

شادروان نور محمد تره کی، ظاهراً برای حفیظ الله امین ارادت و اخلاص عمیقی را به نمایش می گذاشت، امین فرد پراقتدار و نیرومند رژیم بود و تلاش داشت تا به رفورم های جدال برانگیز خویش ادامه دهد. وی کمپاین عظیم ترور و کشتار را براه انداخته بود و مخالفین سیاسی خویش را دستگیر نموده و به قتل می رسانید، و بنا بر گفته "Safronchuk" "Wasily" مامور اسبق بلند پایه وزارت خارجه اتحاد شوروی، "امین"، در برابر مشاورت ها و نگرانیهای سران کرملین مبنی بر اهتراز از تداوم پالیسیهای خونین اش اظهار مینمودکه: آیا استالین، سوسیالیسم را با دستکش های سفید بنا نهاد؟

به منظور قطع صلاحیت ها و دسترسی های بیش از حد امین در هرم ساختار قدرت، لاجرم آقای نور محمدتره کی عازم ماسکو گردید تا با رهبران کرملین و شخص لیئونید بریژنیف چگونگی برکناری امین را مورد بحث قرار دهد. آقای تره کی انتظار داشت تا با قطع کمپاین تروریستی که از جانب امین براه افتیده بود، خواهد توانست تا همکاری ماسکو را در راستای مهار ساختن بحران افغانستان جلب نماید. اما این پلان بوسیله مارهای میان آستین افشا ساخته شد و با مجرد رسیدن آقای تره کی در کابل، وی از سوی حفیظ الله امین دستگیر و به شکل مظلومانه و فجیعانه اعدام گردید.

حفیظ الله امین با توجه به تبعات اعمال خویش در قبال قتل شادروان نورمحمد تره کی متصور بود که با واکنش کرملین مواجه خواهد شد، و بنا بر آن در یک ژست دوگانه، پروسه نزدیکی خویش با غرب را آغاز نهاد. دستگاه "کی جی بی" تصور نمود که ممکن است حفیظ الله امین جاسوس "سیا" باشد. بر قول جنرال "ورینیکوف" قوماندان نیروهای شوروی در افغانستان، وابستگی "امین" با "سیا" به نگرانی عمیقی برای شخص اندروپوف رئیس "کی جی بی" مبدل شده بود. اندروپوف معتقد بود که هرگاه ما، وجایب خویش را در قبال درخواست حفیظ الله امین جهت (اعزام نیروهای شوروی به افغانستان) انجام ندهیم، امین مدعی خواهد شد که گو یا اتحاد شوروی از انجام تقاضای وی اجتناب نموده و بدینوسیله این پندار باعث خواهد شد تا حفیظ الله امین بسوی آمریکا رو آورده و در نتیجه آمریکا نیروهای خویش را به افغانستان داخل خواهد کرد.

با در نظر داشت عوامل و انگیزه های متذکره، و با توجه به پسمنظر تحولات کشورهای "هنگری" و "چک و سلواکیا" که با مداخله اتحاد شوروی، تعویض رژیم ها در آنجا بطرز آرامی شکل گرفت بنا بر آن بر حکم تجارب پیشین، رهبران اتحاد شوروی برای اعزام نیرو در افغانستان و برکناری حفیظ الله امین مصمم شدند.

در یک رویکرد دیگر، در اوج مسابقات تسلیحاتی در اروپا، در واکنش به، جا بحایی های راکت های قاره پیمای شوروی، ناتو، به تاریخ دوازدهم دسامبر "۱۹۷۹" اعلام نمود که به استقرار صدها فروند راکت های کروز در اروپای غربی مبادرت خواهد ورزید. در چنین اقلیم پر تشنج جهانی، و با دید گاه مخاطره آمیز چشم انداز بین المللی دخالت در خصوص سرنوشت افغانستان، شام آنروز، جلسه عاجل بیروی سیاسی دایر و اوضاع پیش آمده و اعزام نیروهای شوروی را مورد بحث قرار داده و در آنجا موضوع تامین امنیت سرحدات جنوبی اتحاد شوروی و ترس از ظهور عناصر "فندمنتالیست" در مرزهای جنوبی و سرازیر شدن فند منتالیست های ایران و دیگر کشورها در داخل افغانستان مورد نگرانی جدی واقع گردید. همچنان بر قول "کارین بروتنتندس" معاون شعبه روا بط بین المللی حزب کمونست اتحاد شوروی، در آنجا گفته شد که: مداخله اتحاد شوروی با توجه به سرگذشت

تاریخی، وضعیت جغرافیوی و طبع آزاد منشانه مردمان افغانستان، برای نظامیان اتحاد شوروی دشوار خواهد بود. بنا بر قول "کرو چکوف" معاون سابق "کی جی بی" سرانجام این نظریه انکشاف کرد که: در صورت که ما در افغانستان نیرویم کدام کشور دیگری به آنجا خواهد رفت و این وضع امنیت جنوبی سرحدات کشور شوراها و کُل منطقه را برهم خواهد زد.

اهداف واقعی پیرامون اعزام نیرو در افغانستان که در گفتمان و مصاحبه های اراکین بلند پایه و معتبر وقت دولت و حزب کمونست اتحاد شوروی در این ویدیوها متبارز است، نه رسیدن به "آب های گرم" و نه تصرف حوزه "نفت خلیج" برای ارتش شوروی متبارز است، بل کُل نگرانی آنها در آزمون، برهم خوردن امنیت مرزهای جنوبی و نفوذ و خطر فندمنتالیست ها و احتمالاً کشانیدن پای آمریکایی ها در وضع پرتشنج جنگ سرد در افغانستان را بیان میدارد.

هکذا به تاریخ ۲۵ دسمبر ۱۹۷۹ بیروی سیاسی کمیته مرکزی در مورد اعزام نیروهای شوروی به افغانستان تصمیم قاطع اتخاذ نموده و دهها هزار نیروی نظامی با تانک و قطارموتورریزه زرهی حرکت خود را بسوی مرز افغانستان آغاز کردند. ماسکو امید وار بود تا این ماموریت را طی هفته ها اكمال نماید. قابل یاددهانیست که بخشی قابل ملاحظه این نیروها از طریق هوا به افغانستان و بویژه میدان های هوایی بین المللی کابل "خواجه رواش" و بگرام مستقر گردیده و با توجه به تاریخچه حفیظ الله امین، کماندوهای مخصوص "کی جی بی" که به دستور حفیظ الله امین ماحول قصر "تاجبیک" جایجا شده بودند و حفیظ الله امین را در حالیکه تلاش مینمود تا خود را مخفی نماید از پا درآوردند.

تصویری که در خصوص دعوت ارتش شوروی و شیوه عملکرد برق آسای کماندوهای شوروی برای امحای حفیظ الله امین و سقوط نظام وی، پدیدار میگردد، باید خاطر نشان ساخت که در این مورد تا کنون تفسیرهای معتبری از جمله آمادگی کامل دولت برای مشایعت این ارتش و ابلاغیه هوشیارباش دولت در حین تردد قطعات، برای ملزم ساختن شهریان کابل جهت کشانیدن پرده های سیاه بر روی پنجره های منازل شان، بیان شده است که تذکار آن در این نوشتار گنجایش نداشته و تصاویر مستند، همه رویدادها را بدرستی بیان میدارد.

ظهور آمریکا در کسوت جهاد

سران کاخ سفید که در آرزوی چنین روزی لحظه شماری مینمودند، رویا های شان جهت به تله کشیدن رقیب سیاسی شان به واقعیت مبدل شده و جریان "دعوت" نیروهای شوروی را به یکی از داغ ترین مسایل جدال برانگیز بین المللی مبدل نموده و در یک واکنش فوری، بازی های "المپیک" ماسکو را تحریم و بر حجم ارسال جنگ افزارهای نظامی برای پیکار جویان مسلح در داخل پاکستان

و افغانستان که پروسه ارسال آن بطور مخفیانه قبل از اعزام نیروهای شوروی در ماه جولای همان سال آغاز شده بود، بیش از پیش مبادرت ورزیدند.

موازی با انکشافات اخیر پیرامون حوادث افغانستان، ایالات متحده آمریکا، برنامه های استراتژیک خویش را در لایه بیریق اسلام پیچانیده و شانه به شانه با هواداران اسلام گرای خویش کاروان "جهاد" را به چرخش آورد. معهدا "بریژنسکی" مشاور امنیت کاخ سفید عازم پاکستان شده و در کنار نظامیان خون آشام پاکستان، با فراخواندن مخالفین دولت افغانستان (سربازان خدا!) در یک گردهمایی ویژه در یک نطق تحریک آمیز مذهبی گونه، نزدیک مرز افغانستان واقع کوتل "خیبر" مخالفین دولت افغانستان را در راه تداوم "جهاد!" که در حقیقت انگیزه های واقعی آن از تسلط بر "نفت" خلیج ریشه گرفته بود تشویق و ترغیب نموده و در همانجا طوری که در تصویر فوق دیده میشود، افغانستان را به معیت افسر (آی اس آی) به گلوله بست.

بریژنسکی ضمن تعهدات همکاری های نظامی و تسلیحاتی آمریکا برای "مجاهدین"، اعتراف نمود که ایالات متحده آمریکا، سلاح ها و مهمات ساخت شوروی را از کشورهای چین، مصر، چک و سلواکیا، تهیه و آنرا در خدمت "مجاهدین" قرار میداد.

جهاد و کوب بخت پاکستان

بهانه "جهاد" در افغانستان و تاسیس "بانک خون" افغان در پاکستان، و ایجاد پایگاه های تروریستی و تجاوزکارانه که بر شانه های مردم افغانستان و آرزوی به آتش کشیدن و بالاخره استعمار سرزمین افغان بنا یافته بود، این فرصت را برای پاکستان ایجاد نمود تا با ایجاد چشمه زارهای بزرگ مالی که از منابع باد آورده غرب و جهان عرب بنام جهاد افغانستان تدارک تهیه و تمویل میگردد، پاکستان را به کشور نیرومند و شگرفا مبدل نماید.

در تداوم برنامه ریزی خرابکارانه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، بریژنسکی مشاور امنیت قصر سفید با جنرال ضیا حاکم خونخور و نظامی پاکستان این مرکز شرارت و کانون شیطننت ملاقات نمود. پاکستان که پیوسته منافع "کلیدی" خویش را در افغانستان جستجو مینمود آغوش خویش را در برابر خواست های روز افزون ایالات متحده آمریکا، برای ایجاد پروژه های خونین بیش از پیش باز نمود و کنگره ایالات متحده آمریکا که تا آن زمان کمک های نظامی خویش را بخاطر تاریخیه بد پاکستان، جهت تلاشهای آنکشور برای ساختن بمب اتم، نقض حقوق بشر، و جریان قاچاق مواد مخدر قطع نموده بود بخاطر مساعی مشترک پاکستان در راه تحقق اهداف استراتژیک آمریکا در افغانستان، آنرا دوباره آغاز و برای چرخانیدن ماشین جنگی پاکستان به دوران انداخت.

نبرد ارتش "سُرخ" شوروی با ارتش "سبز" آمریکا

- (ویدیو کلیپ -3*)

قبل از پیوستن سربازان شوروی در نبردهای کشورهای، برای آنها گفته شده بود که ایشان در افغانستان، در برابر آمریکایی ها این پیکار را انجام میدهند. با آنکه در آغاز عدم حضور آمریکایی ها در صحنه جنگ برای سربازان شوروی سوال برانگیز بود اما بعداً جریانات حقیقی پشت پرده واضح ساخت که آمریکا با تجهیز و تمویل مادی و معنوی برای منافع راهبردی خود توانست تا با تشکیل گروه های تروریستی و بسیج هزاران تروریست از سراسر جهان، و داخل کشور، لشکر رزمی "سبز" را با ترکیب اعجاب انگیز در افغانستان ایجاد نماید.

پیوست با اشتعال شدید جنگ سرد، آمریکای ها که پالیسی خارجی جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا را ضعیف ارزیابی مینمودند، در انتخابات سال ۱۹۸۰، رونالد ریگن را به حیث رییس جمهور آمریکا برگزیدند. ریگن در مراسم "سوگند" متعهد شد که "استوره" های نظامی آمریکا را احیا خواهد کرد. وی احیای این استوره را با ریزش خون افغانها در صحرا های افغانستان و مشارکت دهها هزار رگانگستر دیوانه، تروریست و "اوباش" عرب، پاکستانی، ایرانی . . . و تشدید جریان جنگ سرد و رویارویی با رقیب پیشین اش اتحاد شوروی در جبهات نبرد افغانستان میدید، ازینرو بالاوقفه و در شروع ماموریت خویش به حجم کمک های نظامی برای ("مجاهدین") افغانستان افزوده و انبار سلاح های پیشرفته بشمول راکت های "استنجر" و مهمات جنگی را از طریق پاکستان برای "مجاهدین" سرازیر نمود.

"مجاهدین" دسته های متعدد جنگی را که در خط قومی و قبیله‌ای منقسم شده بود ایجاد و هراز گاهی ضمن نبرد با سربازان شوروی، به نبردهای خونین میان تنظیمی نیز پرداخته و نقش خویش را در ترکیب احصائیة اغراق آمیز و توهم انگیز "دو میلیون شهید" افغانستان برجسته ساختند.

در جریان نبرد، "مجاهدین"، با تصرف وسایط نظامی مبنی بر خصوصیات ویژه خویش با روحیه چپاولگرانه آنرا از کار انداخته و اسباب و پرزه های آنرا چپاول مینمودند.

در بهبوهه اوضاع پر تشنج افغانستان و سرا زیر شدن سیل بی از کمک های غرب و دول مرتجع عرب از طریق پاکستان برای "مجاهدین"، دولت پاکستان ابتکار توزیع این جنگ افزارها را برای "مجاهدین" در دست گرفت و تلاش نمود تا به آرزوی تأسیس رژیم "بنیادگرا" در افغانستان عناصر "اکسترمیست" و عمال خود چون گلبدین حکمتیار را برای دسترسی کامل به سرنوشت کشور، به

دایره اقتدار بکشاند، بنا بر آن، قسمت اعظم این کمک های باد آورده را در اختیار حکمتیار قرار میداد. چنانچه "Elikkarkowski" مدیر دیپارتمنت دفاعی قصر سفید درین خصوص میگوید: پاکستان به گروپهای در داخل افغانستان نیاز داشت تا بتواند در آن اعمال نفوذ نماید، بدینوسیله قسمت اعظم کمکهای پاکستان برای گلبدین اختصاص یافت تا برای گروپهای دیگر؛

میتوان اظهار داشت که پیوند و همبستگی احزاب و دولت های جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی بر اساس مناسبات ایدئولوژیک در چهار چوب اینترناسیونالیزم استوار بود، اما شگفت انگیز است تا بدانیم که کدام رشته ها ارتباط "آهنین" را، میان اردوگاه جهاد و دولت آمریکا پیوند داده بود؟

در روند تحولات سیاسی در کشور و در پایان فصل جنگ سرد، ارتش "سبز" نیز متحول گردید و به دو شاخه نسبتاً متجانس منقسم گردیدند، البته یکی آن بنام ارتش "سیاه" با ترکیب حزب اسلامی و گروه "طالبان" که به ابتکار آمریکا ایجاد شد و اکنون هردو به ارتش "ملیشه" پاکستان مبدل شده و ظاهراً با ارتش "سیا" درگیر است، و دیگری بنام ارتش "رنگه" تحت شعاع سیاست امریکا و در حمایت از آن، در تشکیل حاکمیت کرسی و بیرون از آن فعالیت مینمایند. البته به نظر این قلم اکنون جز رگه های هیولای تروریستی با زماندگان عرب، چیزی بنام "ارتش سبز" با تفکرات پیشین دیگر در افغانستان وجود ندارد و همگان با "تجاوز" امریکا در افغانستان به نوعی با بستن فصل (جهاد!) در افغانستان در چهارچوب سیاستهای بزرگ، قالب بندی گردیده اند.

دلچسپ است که دیروز آنانیکه در سنگرهای نبرد برای ویرانی و برپادی افغانستان، در مقابل اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان و ارتش سرخ می رزمیدند، لقب "سربازان خدا" را از آن خود نموده بودند و امروز همه آنها در نبرد علیه ارتش غرب و آمریکا از القاب "تروریست" برخوردار میباشند.

فقید ببرک کارمل و تحولات "ششم جدی"

مرحوم ببرک کارمل که در اینجا (در ویدیوی شماره 2) از وی به حیث "رهبر مدبر" و اداره گر خوب نام گرفته میشود، در اوایل پیروزی قیام ثور و مخالفت شدید با اقدامات شتابنده رژیم وقت و با بروز اختلافات در کادر رهبری حزب، از افغانستان تبعید ساخته شد. وی در آستانه اعزام نیروهای شوروی در افغانستان، دوران تبعید را در کشور چک و سلواکیا سپری مینمود، پس از سقوط و قتل حفیظ الله امین همراه با برخی رهبران حزب از جمله داکتر نجیب الله و بخش رهبری هواداران مرحوم نورمحمد تره کی از جمله اسدالله سروری، سید محمد گلابزوی، محمد اسلم وطنجار، و شیرجان مزدوریار، به کشور برگشت و بطور ناخواسته خود را در برابر یک عمل انجام شده یافت.

با توجه به وضع نهایت بحران زای آنوقت و با توجه به تجارب و پیشینه های کاری و مبارزات مردمی و سطح تاثیرگذاری در بحران زدایی کشور، وی با در نظر داشت اهمیت عنصر زمان در میان شعله های آتش و برای مهار ساختن آن، در اوج تجاوزات و مداخلات مستمر غرب و پاکستان در کشور، جهت ادای رسالت در برابر مردم، در فقدان هرگونه الترناتیف دیگر، مسئولیت رهبری حزب و دولت را بدوش گرفت. ماموریت جدید فقید کارمل در حقیقت انسداد یک جویبار خون بود که از سوی امین براه افتیده بود، وی با ایجاد پالیسی های مسالمت آمیز ملی و مردمی نظام، سعی نمود تا روح انساندوستانه رژیم را به نمایش گذاشته و زخم های هموطنان ستمدیده مان را مرهم گذارد. در نخستین اقدام وی، هزاران زندانی به شمول رهبران "مجاهدین" که برای مرگ خویش لحظه شماری مینمودند از زندانها رها گردیدند.

در تاریخ معاصر افغانستان در عصر فقید ببرک کارمل بود که در سیمای رژیم، چهره واقعی "ملت" تبارز یافت. بساط و ساختار قدرت وی یک کانون کامل و عادلانه مشارکتی برای تمامی اقوام ملیت ها قبایل و مذاهب افغانستان بود. اتحاد و همبستگی ملی در ارکان جامعه و دولت از حد اعلاي درخشش ملی و اجتماعی رخشنده خاص داشت و شمه از تبعیض و تمایز ملی و مذهبی بصورت کُل در آن رژیم وجود نداشت. او با بستر سازی تربیت هزاران کادر تحصیل یافته و تخصصی در شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی، به معنای واقعی، نظام شایسته سالار را در افغانستان بنا نهاد. در نظام وی که متکی بر نظم و قانون بود، در همه قدمه های آن حس احساس مسئولیت در برابر انسان وطن، تقوا و پرهیزگاری موج می زد. وی با هوشیاری سیاسی خود با توجه به موقعیت شکننده بین المللی افغانستان، از کمک های اتحاد شوروی استفاده اعظمی نموده و از آن در زیرساخت های اقتصادی - اجتماعی و بنیاد یک ارتش مجهز منطوقوی، منظم مجرب و کارآموده که جوهر رزمی و وطنپرستی خود را در جریان "گو شمالی" تجاوز پاکستان در جنگ حماسه ساز "جلال آباد" به نمایش کشید به آزمون گذاشت.

وی وحدت از هم گسیخته حزب را با تمام شکیبایی احیا، و حزب رزمنده پر تحرک، منضبط و خدمتگذار را در جامعه تقدیم نمود. در بُعد حیات مادی، جزء میراث پربهای معنوی، از زنده یاد ببرک کارمل به حیث رییس جمهور کشور، هیچ چیزی بنام جیفه مادی در دنیای ما باقی گذاشته نشده و این خود دال بر عالیترین نگرش مردم دوستی و وطنپرستی رهبر فقیر مشرب و فقید حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. زنده یاد ببرک کارمل با حفظ تعهدات ملی، از امضای هرگونه معاملات و قرارداد های اسارتبار ضد ملی در عهد حاکمیت خویش اجتناب نموده و کلید حفظ تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی را با کُل امانت داری برای جانشین خویش داکتر نجیب الله، واگذار

گردید. فقید ببرک کارمل که در واپسین لحظات حاکمیت اش، از جانب مشاورین شوروی بنام "انٹی سویتست" یعنی ضد شوروی یاد میشد، به حیث آگاه ترین رهبر و اصلی ترین ستون مقاومت در برابر دسایس غرب و پاکستان و به حیث مانع عمده در برابر مقاصد تجاوزکارانه و غارتگرانه آنان در یک توطئه سازمان یافته در چهارچوب یک ائتلاف سری که بنام "ائتلاف دو ستانه" (Friendly coalition) به مشارکت قصر سفید، اسلام آباد و ماسکو عصر گرباچف، ایجاد شده بود، سبکدوش ساخته شد (ویدیو کلیپ شماره 4*). گفتنیست که لاجرم همین "ائتلاف" شیطانی سرنگونی حاکمیت ح.د.خ.ا. و شهادت مظلومانه داکتر نجیب را نیز مدیریت نمود که با تفصیل در نوبته قبلی ام، تحت عنوان (رازهای ناگفته توطئه سقوط نظام دموکراتیک و درسهای زهرآلود تاریخ در افغانستان) به تفصیل و بطور مستند بر حکم تصویر بیان شده است.

فقید ببرک کارمل در آستانه برکناری اش از مسند قدرت، چنان آماج خشم و کینه این ائتلاف قرار گرفت که هرگاه مقاومت جسورانه و دلاورانه شهریان شجاع شهر کابل، رزمندگان حزب و تظاهرات نیرومند و اعتراضات شدید سازمانها، مؤسسات اداری، کارگری، تعلیمی و تحصیلی ده روزه شهریان کابل راه اندازی نمی گردید ممکن سرنوشت مرگباری را در پی میداشت؛

طرح خروج ارتش سرخ از افغانستان

محتویات نوار های مستند بر حقایق جریان طرح خروج ارتش شوروی از افغانستان روشنی عمیقی بخشیده و برخلاف هذیان گویی های یاوه سرایان متعصب و نابینایان مسخ شده سیاسی، بیان میدارد که: برای بار نخست طرح خروج نیروهای شوروی از افغانستان در زمان حاکمیت فقید ببرک کارمل آغاز شد. مرحوم کارمل درست پس از احراز مسئولیت حزبی و دولتی سعی نمود تا در چهار چوب یک میکانیزم با اعتبار و تضمین معتبر بین المللی برای عدم مداخله در امور افغانستان، طرح مرحله یی خروج سربازان ارتش سرخ از افغانستان را به کرسی نشاند. چنانچه بطور مستند در این ویدیو می بینیم که بنا بر ابتکار جانب دولت افغانستان و اتحاد شوروی تحت سرپرستی ملل متحد، مذاکرات سیاسی حول خروج نیروهای ارتش شوروی از افغانستان آغاز شد، و جانب جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاریخ ۴ می "۱۹۸۰" یعنی حدود چهار ماه بعد از ورود ارتش شوروی در کشور، اعلامیه رسمی را که حاوی قطع مداخلات از خارج و خروج نیروهای شوروی از افغانستان بود به نشر رسانید. هکذا "کورت والد هایم" سر منشی سازمان ملل متحد، جناب خاویر پریز دوکویار معاون سرمنشی ملل متحد را مامور ساخت تا گفتمان مربوط را با جوانب زیربط آغاز نماید، وی دوبار در آغاز "۱۹۸۱" و در ماه اگست همان سال در کابل، اسلام آباد و تهران سفر نمود و حین سفر خویش در کابل، تلاش نمود تا ضمن ملاقات با فقید ببرک کارمل، به آرزوی قطع مداخلات خارجی، برگشت

ارتش شوروی از افغانستان را که به ابتکار جانب افغانستان راه اندازی شده بود، مورد بحث قرار دهد.

در راستای تحرکات، جانب دولت افغانستان برای حصول توافق بین المللی برای عدم مداخله و برگشت ارتش سرخ به کشورشان، بعد از درگذشت لئونیید بریژنیف رهبر اتحاد شوروی در نوامبر ۱۹۸۲، اندرویوف رهبر جدید حزب کمونست اتحاد شوروی در حاشیه مراسم تودیی رهبر پیشین حزب، بیرامون ابتکار جانب افغانستان، با وزیر خارجه پاکستان ملاقات نموده و آمادگی ماسکو را برای پذیرش طرح ملل متحد و خروج سربازان شوروی از افغانستان مطرح نمود. اما سوگوارانه جانب آمریکا و پاکستان مبنی بر مقاصد استراتژیک و انتقام جویانه خویش با این طرح گویا به حیث یک "نمایش سیاسی" نگاه کرده و به آن مخالفت نمود. چنانچه "Charles Cogan" مدیر سابق و بلندپایه "سیا" میگوید: ما هرگز "آمادگی شوروی" را در این خصوص مورد بررسی قرار ندادیم و به آن اعتماد ننمودیم، در مقابل ما، جانب پاکستان را تحت فشار قرار داده تا پیوسته بر فشارهای خویش بر جانب افغانستان ادامه دهد.

آری! این فشارها ادامه یافت لاجرم نیروهای اتحاد شوروی تحت توافق نامه یکجانبه معامله گرانه، تسلیم طالبانه و خاینانه گرباچف در عهد حاکمیت داکتر نجیب الله بدون هیچ پیش شرط تضمین کننده بین المللی، افغانستان را ترک نمود، متعاقباً مجموعه کمک های نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی حتی صدور گندم و نفت در برابر پرداخت دالر به جانب افغانستان قطع گردید و کمک های سیل آسا و مداخلات گسترده غرب، دول مرتجع عرب و دولت خونتای پاکستان و ایران برای اپوزیسیون دولت افغانستان ادامه یافت، که البته در این مورد در نوشتار قبلی ام تحت عنوان (رازهای نا گفته توطئه سقوط نظام دموکراتیک و درس های زهرآلود تاریخ) بطور مفصل و مستند تشریحات لازم ارائه شده است؛

استنتاج در یک نگاه

با مداخلات تجاوز کارانه و مساعدتهای مالی و تسلیحاتی بیش از "یک صد" کشور جهان علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و در فرجام سقوط آن، تابش امیدهای ترقیخواهانه و عدالت جویانه در کشور غروب نمود. مداخلات غرب؛ پاکستان، ایران و ارتجاع عرب، کماکان ادامه یافت تا اینکه افغانستان را به تلی از خاک مبدل ساخته و آنرا به بستر مطمئن اهداف شوم خویش و لانه مطمئن تروریسم و "پایتخت" تولید و قاچاق مواد مخدر در جهان مبدل نموده و نظام ارتجاعی طراز قرون وسطائی و امارت طالبانی و نظام "فساد سالار" را با قبای فریبنده دموکراتیک در افغانستان تحمیل

نموده، و در فقدان اراده توانای ملی، امروز طرح تاسیس پایگاه های طولانی مدت آمریکا برای اهداف راهبردی و مأموریت منطقی آن در دستور روز قرار داده شده است.

کلی ترین نتایجی که از این سناریوی آمیخته با اشک و خون، ترسیم میگردد، در یک کلام مختصر عبارت است از تباهی مردم، ویرانی کشور و گشایش سیاه ترین صفحه تاریخ بعد از سقوط نظام دموکراتیک در کشور، ظهور تروریسم، بنیاد گرائی و مواد مخدر در افغانستان، اعتلاء و شگوفایی پاکستان و تبدیل آن به کشور اتمی در منطقه، تحقق برنامه های استراتژیک آمریکا و کشاندن یای "ینجاه کشور" خارجی در کشور، و تصویر آینده نهایت دردناک و فاجعه بار در کشاکش رقابت های قدرتهای منطقی و جهانی و تاسیس یک رشته قصرهای طلایی و ذخایر ثروتهای عظیم بوسیله رهبران ارشد و تاجران بلند پایه "جهاد" در افغانستان؛

ذکر این نکته نیز در خور اهمیت است که نظام دموکراتیک در افغانستان بویژه در دوران "دفاع مستقلانه" در میدان رزم و پیکار، قدرت و پایداری خود را آشکارا به نمایش گذاشت، اما با تکرار چرخ تاریخ در کشور، این نظام در میدان سیاست و بازیهای دراماتیک و شیطنت آمیز ابرقدرتهای جهان و نیروهای طاغوتی منطقی و عمال داخلی آنها سقوط کرد. همانقدر که "مجاهدین"، غربی ها را مدیون احسان خویش در نبرد "جنگ سرد" و "فاتح!" دیوار "برلین" میپندارند، باید بیاد داشته باشند که برعکس غربیها، تسلط "مجاهدین" بر دایره قدرت در کشور را، مدیون تجاوزات سخاوتمندانه خود تلقی نموده و آشکارا بیان میدارند که: "خون" از افغان ها، اهداف از ما!

اما نگرش واقعی دال بر این حقیقت است که نه اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان بازنده این نبرد بود، و نه غرب، پاکستان و هواداران شان "مجاهدین"، بیروزمند آن، بل هنر گشایش این راز، در خیانت گرباجف رهبر پیشین اتحاد شوروی و تغییر سیاست تسلیم طلبانه او به نفع غرب و شرکاء نهفته است. بنا بر قول "جانتان استیل" نویسنده مشهور بریتانیا که در روزنامه گاردین، تحت عنوان (ده استوره در باره افغانستان)، در سال ۱۹۸۸ میلادی ارقام یافته است، ادعای "مجاهدین" برای شکست شوروی در افغانستان و حتی گزافه گویی های فروپاشی آن نظام، "یُف" بزرگی را بیان مینماید.

سوگوارانه که در میدان بازی کشور، و یا در این "مسلخگاه" در دور فینال مسابقات "افغان کُشی" کسانیکه با کاربرد ضربات اخیر پناالتی "کپ قهرمانی" را از آن خود ساخت غرب و پاکستان و بازنده اصلی آن ملت افغان بود.

اخيراً در یک انکشاف غیر مترقبه دیگر در حالیکه این نوشتار را تحت نگارش داشتم "جوبایدن" معاون رئیس جمهور آمریکا، پس از نبرد دهساله با "طالبان"، اظهار داشت که "طالبان" "دشمن" آمریکا نمی باشند. یعنی که طی این نبردی که تا کنون دهها هزار قربانی و ویرانی را بجا گذاشته است ایالات متحده آمریکا با "دوستان" خویش سرگرم بازی بوده اند!

برای اثبات ادعای معاون رئیس جمهور، اینک لازم میدانم تا فوتوی یادگاری سربازان آمریکایی با "طالبان" را که تا کنون در هیچ یکی از رسانه های جهان بنشر نرسیده است و از ولایت ارزگان افغانستان بدست آمده است، بنشر رسانیده و قضاوت خوانندگان گرامی را در خصوص این "جنگهای زرگری" و بازی به سرنوشت ملت بلا کشیده افغان جلب نمایم:



در تداوم این سناریوی دردناک و فلج کننده اکنون ملت افغانستان به مثابه "ناخون افگار" در میان گُرگان شکاری" به گروگان کشانیده شده و بطور مصنوعی چنان فضای اجباری ایجاد شده است تا باشد این ملت رنجدیده تحت سایه های "تیوری ترس" به هر گونه مقدرات فاجعه بار گردن نهند؛ اما یک سوال اساسی که تا کنون بی پاسخ گذاشته شده عبارت از این است که همین ("مجاهدین"!))، با نیایش در برابر پروردگار عالم، برای امحای نظام هم اندیشان و همسنگران پیشین شان (طالبان کرام) خواهان تجاوز آمریکا، در افغانستان بودند، و با تهاجم آمریکا به کشور، در سنگرهای داغ، با ارتش آمریکا دمساز گردیده و نمازهای شکرانه بجا آوردند، در حالیکه خروج ارتش آمریکا را درین روزها از افغانستان، "ما تم ملی" تلقی نموده، چرا تا کنون دود، تنفر اعزام نیروهای دعوت شده

کشور همسایه، اتحاد شوروی را که آنهم عملاً برای ماموریت مبارزه با دهشت افگنی و تروریسم در کشور دعوت گردیدند و بدون عقد هر گونه موافقتنامه استراتژیک، کشور را ترک نمودند، از دماغ بیرون میکشند؟

دردا!

فیلمهای مستند: - لطفاً با لای لینکهای ذیل کلیک نمایید:

1. <http://www.youtube.com/watch?v=w8Vmx9Pg5Js>
2. <http://www.youtube.com/watch?v=zoXo9eVO1x0>
3. <http://www.youtube.com/watch?v=ISyeBbV3tPg&feature=related>

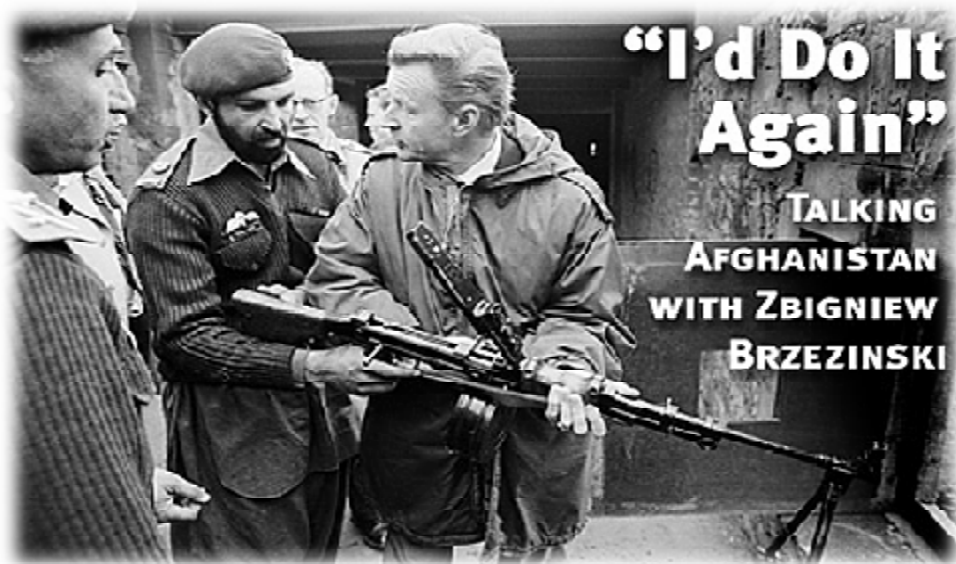
www.esalat.org



محمد عارف عرفان

رازهای حقیقی دعوت ارتش شوروی و مداخلات غرب و شرکاء در افغانستان

"بر روال فیلم های مستند"



در فراسوی رخداد قیام مسلحانه هفتم ثور:

در فرایند قیام هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی و سیر تحولات بعدی در کشور، ناوگانهای تبلیغاتی غرب و شرکاء با کاربرد مجموعی بیش از "۱۳۰" ساعت تبلیغ در "۲۴" ساعت علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، برای برانگیختن احساسات مذهبی مردم و زهرآلود ساختن ذهنیت جهانیان در خصومت با دولت جدید، تلاشهای سریع و رعد آسای را در پهنه جهان به جولان کشیدند. آنها موج عظیم رستاخیز ضد دولتی را در داخل جامعه و کشورهای همسایه، ایران و بویژه پاکستان که مقدمات پایگاه های ضد افغانی را با اسکان سران "مجاهدین" در آن کشور، که در آغازین مراحل تاسیس جمهوری محمد داوود خان آغاز یافته بود خلق نمودند. غرب مدت ها قبل از مراحل اعزام نیروهای نظامی شوروی در افغانستان، با مداخلات صریح و ارسال جنگ افزارها و تسلیح و تجهیز پیکارجویان، و ایجاد بیش از دوصد جبهه منظم ضد دولتی، که از قراء، قصبات، شهرها و نا شهر کابل و "چنداوول" و "بالاحصار" کابل امتداد یافت، کشور را بطور تمام به "آتشکده" مبدل نموده و توان دفاعی دولت را برای سرکوب آشوبهای ضد دولتی جداً به چالش کشیده و لاجرم با خطور اندیشه "بقا" در وجود گردانندگان رژیم وقت، زمینه ساز "دعوت" نیروهای شوروی در افغانستان گردیدند.

کاخ سفید که دوران متوالی حس درد آلود انتقام شکست فضاحت بار آمریکا در جنگ ویتنام را سپری نموده و از سوی در حسرت و هوای تسلط بر منابع عظیم قاره آسیا لحظه شماری مینمود، از وقوع تحولات جدید برای برنامه ریزی اهداف استراتژیک خویش از کاربرد غوغا برانگیز واژه "تجاوز!" نیروهای شوروی در افغانستان در بُعد ملی و بین المللی استفاده وسیع ابزاری نموده و جولانگاه مداخلات و تجاوزات خویش را برحریم جامعه افغانستان بیش از پیش توسعه بخشیدند.

رُخ دیگر آئینه سیاست غرب در افغانستان

اکنون که با سقوط نظام دموکراتیک در کشور، مجموع پروژه های ویرانگرانه و سبوتاژگرانه دول استعمار و استبداد در فاز اول خویش در افغانستان خاتمه یافته، و افغانستان در پی عوام فریبی ها و حيله گری های مکارانه ایشان پس از آزمایشات پروژه های "جهادی"، "طالبی" و نظام "فساد سالار" دموکراتیک نما، به تسلط عام و تام استعمار کشانیده شده است، اسناد و شواهدی تازه بی را که قطرات فلتر شده حقایق جانگداز حوادث افغانستان را احتوا مینماید، از آرشیف تاریخ خویش بیرون کشیده و بدین لحاظ قدرت و مهارت خویش را در وارونه سازی جریانات، با همه تبختر به رُخ جهانیان می کشانند.

کشور بریتانیا، درست سال پار پس از تکمیل مراحل متعارف آرشیف ملی اش که از آن مهر محرمیت بنا بر قدامت سی ساله اش برداشته شده است، افشا مینماید که: نیروهای شوروی به درخواست جمهوری دموکراتیک، به افغانستان اعزام شده و این سند که به تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۹ خورشیدی بوسیله خبرگذاری "نوستی" تحت عنوان "افشای اعمال پشت پرده غرب بعد از مداخله شوروی در افغانستان"، انتشار یافته، مشعر است که:

(. . . کمک اتحاد شوروی را رهبر افغانستان حفیظ الله امین درخواست نموده بود که از طرف نیروهای خاص اتحاد شوروی به زودی بعد از آغاز عملیات به قتل رسانده شد).

در گذرگاه وقایع جهانی و فرار حقیقت از چهار دیوار فولادین زندان های اسارتبار آرشیف های استخباراتی استعمار جهانی، اکنون اسناد "تصویری" در ورای ویدیو کلیپ های مستند که از عمق حقایق حوادث و تحولات عمیق سیاسی، دهه یی هفتاد-هشتاد در افغانستان بطور روشن و انکار ناپذیر پرده برداری نموده و بوسیله بزرگترین و مشهور ترین رسانه تصویری جهان غرب یعنی تلویزیون (CNN) ایالات متحده آمریکا تهیه شده است، ما با رخ دیگر حقایق پشت پرده حوادث کشور خویش آشنا شده و ریشه ها و انگیزه های اصلی و واقعی خلقت مصنوعی "سربازان خدا" "soldiers of the God"، نیات مداخله و تجاوز ایالات متحده آمریکا، برنامه سازی جهادی پاکستان، و چگونگی دعوت نیروهای شوروی در افغانستان را مشاهده مینماییم. امیدوارم آنانیکه تا کنون تحت پرده "ضخیم" بهانه "تجاوز" اتحاد شوروی، کارنامه های خونین و شرارت انگیز خویش را پنهان داشته و "قیام هفت ثور" و رژیم های مربوط به آن دورانها را طور یکسان مسبب "همه بدبختیها!" در کشور قلمداد مینمودند با نگاه نوارهای مستند، صفحه اصلی تاریخ خونین کشور و عوامل شکل دهنده آنرا به خوانش گرفته و بر عملکردهای جفاکارانه خویش به قضاوت بنشینند!

در این مبحث و نبود ظرفیت لازم درین نوشتار، با حفظ شفافیت، محتوا و مضمون تصاویر ویدیوی، خواستم تا با حفظ همه امانت داری برای خواننده گان محترمی که از امکانات دسترسی به زبان انگلیسی محروم اند، در موارد ضروری، برگردانی، تبصره، تفسیر و تحلیلهای مختصر ارائه نمایم. قابل یاد آور است که پراگراف ها و عناوین این نیشته بر اساس جریانات حوادث در نوار این ویدیوها قالب بندی شده است.

جنگ سرد و خلقت سربازان خدا (!)

- (ویدیو کلیپ -1*)- پایان صفحه

افغانستان با داشتن موقعیت خاص جیوپولیتیک، جیواستراتژیک و جیو اکونومیک خویش در حوزهء منطقوی و پیوستگی و نزدیکی آن با آسیای میانه در شمال، خلیج فارس و ایران در غرب، بحر هند و پاکستان در جنوب، پیوسته و بویژه در دههء طوفانی هشتاد، درست پس از پیروزی قیام مسلحانهء هفت ثور، در مرکز توجه ابرقدرتهای جهانی قرار گرفت و برای "ماسکو" موجودیت افغانستان به حیث کشور همسایه و دوست، حیاتی بنظر می رسید.

با پیروزی قیام ثور و برپائی جشنواره یی مردمی در حمایت از تحولات جدید، آقای "نور محمد تره کی" با تکیه بر امیدواری بسوی همکاریهای ماسکو برای تحقق برنامه های "سوسیا لیستی!" خویش توانست تا مساعدت های ماسکو را در این راستا جلب نموده و بدین وسیله صدها تن از مشاورین اتحاد شوروی به افغانستان سرازیر گردیدند. همزمان با آغاز مداخلات غرب و کشورهای همسایه ایران، پاکستان و چین، پیوست با برپائی آشوبهای ضد دولتی و با مشتعل شدن نبردهای سراسری در کشور، افغانستان آهسته آهسته ابر پاره های جنگ های رقابتی کشور گشایان را بر فراز خویش به تماشا می نشست و ایالات متحده آمریکا در این جو پر تلاطم، مصمم گردید تا با ارزش "بلیون" ها دالر، سلاح و مهمات را در این جنگ برای پیروزی "متحدین فندمنتالیست اسلامگرای" خویش و برای تامین مقاصد بلند پروازانه خود هزینه نماید. چنانچه (مدیر بخش افغانستان در سازمان سیا) Frank Anderson بو ضاحت اذعان میدارد که: این کاملاً درست است که این جنگ بخاطر تحقق اهداف "ما" و خون "آنها" ("مجاهدین" -ب) برنامه ریزی شده بود.

در بخشی از نوار در خصوص انگیزه اعتراضات مردمی علیه رژیم جدید گفته میشود که: در راستای راه اندازی رفورم های اقتصادی و اجتماعی نظام انقلابی، در چهارچوب اصلاحات ارضی، دولت، زمین های زراعتی را از ملکیت زمینداران بزرگ بیرون کشیده و برای دهاقینی که بالای آن عملاً کار مینمود توزیع می نمود. همچنان در یک شگرد دیگر قشر اناث تشویق شدند تا با برداشت حجاب سنتی خویش در کنار مردان در کورسهای سواد آموزی شرکت جویند.

راه اندازی این رفورم ها در دهات افغانستان بگونه دیگری تعبیر شده و این فرایند با رنگ مخاطره آمیز در برابر تضعیف نقش ملاها و سنت های مرسوم اجتماعی، تفسیر گردید. چنانچه درین جا برحسب برداشتهای ملا از اسلام با توجه به برنامه های رژیم، گویا این "کمونستها!" هستند که با زدایش "فقر" و ایجاد "مساوات" میان غنی و فقیر، جامعه سنتی کشور را متحول ساخته و "قانون

خداوند!" را متغییر میسازند. چنانچه با برداشت از این رفورم ها و برای جلوگیری از دکتورین این برنامه، گروه های "مجاهدین" که از طرف غربی ها به لقب "سربازان خدا!" مفتخر گردیدند، تشکیل و در برابر رژیم صف آرائی نموده و با آتش کشیدن مکاتب و دانشگاه ها "جهاد" خویش را آغاز نهادند.

بدون شک سطح شتاب و پریشهای سریع رفورمهای دولتی، بستر مناسب منازعات اجتماعی را برای بهره برداری دشمنان افغانستان بیش از پیش فراهم نموده و همزمان با جلوه گاه اوضاع برآشفته سیاسی در کشور، اسباب نگرانی جدی برای مقامات شوروی نیز فراهم شد، که در این زمینه جنرال ولادمیر کروچکوف معاون وقت "کی جی بی" می فرماید: لژیونید بریژنیف و بیروی سیاسی خواستند تا برای فرونشاندن این بحرانها، با سران رژیم افغانستان ملاقات نموده و برای آنها خاطر نشان نمایند که در حالیکه اتحاد شوروی موفق نگردید تا جامعه سوسیالیستی را طی مدت زمان شصت سال اعمار نماید؛ شما چگونه میتوانید تا طی دوران "پنج" سال سوسیالیسم را در افغانستان اعمار نمایید؟.

با ظهور اغتشاشهای سراسری در کشور، در برخی از کشورهای اسلامی و در آنسوی سرحد در کشور شاهی ایران که از القاب ژاندارم منطقه برخوردار بود، در یک برنامه ریزی منظم، موج عظیمی از اسلام گرایان به تحریک روحانیون و ملاهای ایرانی در مخالفت با تحولات افغانستان برانگیخته شده و با گردهم آئی های هیجان انگیز، کار پیوستن برای "جهاد!" افغانستان را آغاز نهادند و این پروسه در برخی از کشورهای دیگر نیز براه افتید.

خون افغان برای نفت آمریکا

همزمان با ایجاد کوره زارهای نبرد در داخل افغانستان، بریژنسکی مشاور قصر سفید، حضور دولت "چپ" در افغانستان را خطر جدی برای منافع آمریکا در منطقه قلمداد نمود و قبلا ازینکه خلاف عرف معمول تبلیغاتی بلند گویان دروغین "خطر" اسلام، بگوید که "اسلام" در خطر است، ضمن مشورت برای "کارتز" رئیس جمهور آمریکا گفت که "نفت" در خطر است. وی برای کارتز اظهار نگرانی نمود که ممکن ماسکو با استفاده از موقعیت افغانستان بسوی جنوب حرکت نموده و نفت خلیج را تصرف نماید.

در یک تحول دیگر، وقوع حوادث و تحولات سیاسی در ایران و سقوط شاه ایران به مثابه همپیمان استراتژییک آمریکا در منطقه، عزم ایالات متحده آمریکا را بیش از پیش برای مداخله در امور افغانستان و پُرساختن خلای رژیم شاهی ایران، استوار تر ساخت چنانچه بر حسب محتوای این نوار مستند، ایالات متحده آمریکا ماه ها قبل از اعزام نیروهای شوروی به افغانستان، مداخلات خویش را

از طریق پاکستان، در افغانستان آغاز نهاده و در ماه جولای سال ۱۹۷۹ یعنی "شش ماه" قبل از اعزام ارتش شوروی به افغانستان، کمک های مخفی خویش را برای جنگجویان افغانی از طریق پاکستان آغاز نهاده و دسته های "مجاهدین" (سربازان خدا!) تحت نظر دولت و سا زمان جهمی (آی اس آی) پاکستان در کمپ های مربوط، با مساعی زمینداران بزرگ و ملاهای ساخت پاکستان، تشکیل و دسته بندی گردیدند تا بخاطر نفت ایالات متحده آمریکا خونهای خویش را هدیه فرمایند.

سرآغاز دعوت ارتش شوروی در افغانستان

همزمان با تشدید بحران عظیم سیاسی- نظامی و تزئید فعالیت های تهاجمی، "مجاهدین" که با دریافت کمک های تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا میدانهای نبرد را بیش از پیش مشتعل نموده بودند، دولت، با سیل خروشان فرار افسران و سربازان از قطعات نظامی و میدانهای نبرد مواجه گردید. این جریان مهار ناپذیر، دولت را وا داشت تا از اتحاد شوروی کمک نظامی دریافت نماید. رشد روزافزون سطح عمیق بحران افغانستان رهبر اتحاد شوروی را ملزم میساخت تا پیرامون اوضاع پیشامده به بحث بپردازد. همپا با سقوط شهر هرات و قتل عام مشا ورین شوروی و فامیل های مربوط شان، طرح دعوت نیروهای شوروی در کشور در ارکان عالی دولت افغانستان در عهد شادروان نور محمد تره کی شکل گرفت و درین راستا بطور مشخص از مقامات ماسکو تقاضا بعمل آمد تا با ایجاد "قرارگاه" های نظامی، به افغانستان نیروی نظامی بفرستند. اما بنا بر قول "وسیلی سفرونچوک" مقام بلند پایه وزارت خارجه اتحادشوروی، در کرملین، رهبر اتحاد شوروی پیوسته بحران افغانستان را در پیروی سیاسی مورد بررسی قرار میداد، جانب افغانی که دیگر قادر نبود تا خود، با این بحران مقابله نماید بارها و بطور بیهم تقاضای مداخله نظامی اتحاد شوروی را پیش می کشیدند و ما مکرراً با آن مخالفت میورزیدیم؛

نقش امین و حوادث خونین

- (ویدیو کلیپ -2*)

شادروان نور محمد تره کی، ظاهراً برای حفیظ الله امین ارادت و اخلاص عمیقی را به نمایش می گذاشت، امین فرد پراقتدار و نیرومند رژیم بود و تلاش داشت تا به رفورم های جدال برانگیز خویش ادامه دهد. وی کمپاین عظیم ترور و کشتار را براه انداخته بود و مخالفین سیاسی خویش را دستگیر نموده و به قتل می رسانید، و بنا بر گفته "Safronchuk" "Wasily" مامور اسبق بلند پایه وزارت خارجه اتحاد شوروی، "امین"، در برابر مشاورت ها و نگرانیهای سران کرملین مبنی بر اهتراز از تداوم پالیسیهای خونین اش اظهار مینمودکه: آیا استالین، سوسیالیسم را با دستکش های سفید بنا نهاد؟

به منظور قطع صلاحیت ها و دسترسی های بیش از حد امین در هرم ساختار قدرت، لاجرم آقای نور محمدره کی عازم ماسکو گردید تا با رهبران کرملین و شخص لیئونید بریژنیف چگونگی برکناری امین را مورد بحث قرار دهد. آقای تره کی انتظار داشت تا با قطع کمپاین تروریستی که از جانب امین براه افتیده بود، خواهد توانست تا همکاری ماسکو را در راستای مهار ساختن بحران افغانستان جلب نماید. اما این پلان بوسیله مارهای میان آستین افشا ساخته شد و با مجرد رسیدن آقای تره کی در کابل، وی از سوی حفیظ الله امین دستگیر و به شکل مظلومانه و فجیعانه اعدام گردید.

حفیظ الله امین با توجه به تبعات اعمال خویش در قبال قتل شادروان نورمحمد تره کی متصور بود که با واکنش کرملین مواجه خواهد شد، و بنا بر آن در یک ژست دوگانه، پروسه نزدیکی خویش با غرب را آغاز نهاد. دستگاه "کی جی بی" تصور نمود که ممکن است حفیظ الله امین جاسوس "سیا" باشد. بر قول جنرال "ورینیکوف" قوماندان نیروهای شوروی در افغانستان، وابستگی "امین" با "سیا" به نگرانی عمیقی برای شخص اندروپوف رئیس "کی جی بی" مبدل شده بود. اندروپوف معتقد بود که هرگاه ما، وجایب خویش را در قبال درخواست حفیظ الله امین جهت (اعزام نیروهای شوروی به افغانستان) انجام ندهیم، امین مدعی خواهد شد که گو یا اتحاد شوروی از انجام تقاضای وی اجتناب نموده و بدینوسیله این پندار باعث خواهد شد تا حفیظ الله امین بسوی آمریکا رو آورده و در نتیجه آمریکا نیروهای خویش را به افغانستان داخل خواهد کرد.

با در نظر داشت عوامل و انگیزه های متذکره، و با توجه به پسمنظر تحولات کشورهای "هنگری" و "چک و سلواکیا" که با مداخله اتحاد شوروی، تعویض رژیم ها در آنجا بطرز آرامی شکل گرفت بنا بر آن بر حکم تجارب پیشین، رهبران اتحاد شوروی برای اعزام نیرو در افغانستان و برکناری حفیظ الله امین مصمم شدند.

در یک رویکرد دیگر، در اوج مسابقات تسلیحاتی در اروپا، در واکنش به، جا بحایی های راکت های قاره پیمای شوروی، ناتو، به تاریخ دوازدهم دسامبر "۱۹۷۹" اعلام نمود که به استقرار صدها فروند راکت های کروز در اروپای غربی مبادرت خواهد ورزید. در چنین اقلیم پر تشنج جهانی، و با دید گاه مخاطره آمیز چشم انداز بین المللی دخالت در خصوص سرنوشت افغانستان، شام آنروز، جلسه عاجل بیروی سیاسی دایر و اوضاع پیش آمده و اعزام نیروهای شوروی را مورد بحث قرار داده و در آنجا موضوع تامین امنیت سرحدات جنوبی اتحاد شوروی و ترس از ظهور عناصر "فندمنتالیست" در مرزهای جنوبی و سرازیر شدن فند منتالیست های ایران و دیگر کشورها در داخل افغانستان مورد نگرانی جدی واقع گردید. همچنان بر قول "کارین بروتنتندس" معاون شعبه روا بط بین المللی حزب کمونسنت اتحاد شوروی، در آنجا گفته شد که: مداخله اتحاد شوروی با توجه به سرگذشت

تاریخی، وضعیت جغرافیوی و طبع آزاد منشانه مردمان افغانستان، برای نظامیان اتحاد شوروی دشوار خواهد بود. بنا بر قول "کرو چکوف" معاون سابق "کی جی بی" سرانجام این نظریه انکشاف کرد که: در صورت که ما در افغانستان نیرویم کدام کشور دیگری به آنجا خواهد رفت و این وضع امنیت جنوبی سرحدات کشور شوراها و کُل منطقه را برهم خواهد زد.

اهداف واقعی پیرامون اعزام نیرو در افغانستان که در گفتمان و مصاحبه های اراکین بلند پایه و معتبر وقت دولت و حزب کمونست اتحاد شوروی در این ویدیوها متبارز است، نه رسیدن به "آب های گرم" و نه تصرف حوزه "نفت خلیج" برای ارتش شوروی متبارز است، بل کُل نگرانی آنها در آزمون، برهم خوردن امنیت مرزهای جنوبی و نفوذ و خطر فندمنتالیست ها و احتمالاً کشانیدن پای آمریکایی ها در وضع پرتشنج جنگ سرد در افغانستان را بیان میدارد.

هکذا به تاریخ ۲۵ دسمبر ۱۹۷۹ بیروی سیاسی کمیته مرکزی در مورد اعزام نیروهای شوروی به افغانستان تصمیم قاطع اتخاذ نموده و دهها هزار نیروی نظامی با تانک و قطارموتورریزه زرهی حرکت خود را بسوی مرز افغانستان آغاز کردند. ماسکو امید وار بود تا این ماموریت را طی هفته ها اكمال نماید. قابل یاددهانیست که بخشی قابل ملاحظه این نیروها از طریق هوا به افغانستان و بویژه میدان های هوایی بین المللی کابل "خواجه رواش" و بگرام مستقر گردیده و با توجه به تاریخچه حفیظ الله امین، کماندوهای مخصوص "کی جی بی" که به دستور حفیظ الله امین ماحول قصر "تاجبیک" جایجا شده بودند و حفیظ الله امین را در حالیکه تلاش مینمود تا خود را مخفی نماید از پا درآوردند.

تصویری که در خصوص دعوت ارتش شوروی و شیوه عملکرد برق آسای کماندوهای شوروی برای امحای حفیظ الله امین و سقوط نظام وی، پدیدار میگردد، باید خاطر نشان ساخت که در این مورد تا کنون تفسیرهای معتبری از جمله آمادگی کامل دولت برای مشایعت این ارتش و ابلاغیه هوشیارباش دولت در حین تردد قطعات، برای ملزم ساختن شهریان کابل جهت کشانیدن پرده های سیاه بر روی پنجره های منازل شان، بیان شده است که تذکار آن در این نوشتار گنجایش نداشته و تصاویر مستند، همه رویدادها را بدرستی بیان میدارد.

ظهور آمریکا در کسوت جهاد

سران کاخ سفید که در آرزوی چنین روزی لحظه شماری مینمودند، رویا های شان جهت به تله کشیدن رقیب سیاسی شان به واقعیت مبدل شده و جریان "دعوت" نیروهای شوروی را به یکی از داغ ترین مسایل جدال برانگیز بین المللی مبدل نموده و در یک واکنش فوری، بازی های "المپیک" ماسکو را تحریم و بر حجم ارسال جنگ افزارهای نظامی برای پیکار جویان مسلح در داخل پاکستان

و افغانستان که پروسه ارسال آن بطور مخفیانه قبل از اعزام نیروهای شوروی در ماه جولای همان سال آغاز شده بود، بیش از پیش مبادرت ورزیدند.

موازی با انکشافات اخیر پیرامون حوادث افغانستان، ایالات متحده آمریکا، برنامه های استراتژیک خویش را در لایه بیریق اسلام پیچانیده و شانه به شانه با هواداران اسلام گرای خویش کاروان "جهاد" را به چرخش آورد. معهدا "بریژنسکی" مشاور امنیت کاخ سفید عازم پاکستان شده و در کنار نظامیان خون آشام پاکستان، با فراخواندن مخالفین دولت افغانستان (سربازان خدا!) در یک گردهمایی ویژه در یک نطق تحریک آمیز مذهبی گونه، نزدیک مرز افغانستان واقع کوتل "خیبر" مخالفین دولت افغانستان را در راه تداوم "جهاد!" که در حقیقت انگیزه های واقعی آن از تسلط بر "نفت" خلیج ریشه گرفته بود تشویق و ترغیب نموده و در همانجا طوری که در تصویر فوق دیده میشود، افغانستان را به معیت افسر (آی اس آی) به گلوله بست.

بریژنسکی ضمن تعهدات همکاری های نظامی و تسلیحاتی آمریکا برای "مجاهدین"، اعتراف نمود که ایالات متحده آمریکا، سلاح ها و مهمات ساخت شوروی را از کشورهای چین، مصر، چک و سلواکیا، تهیه و آنرا در خدمت "مجاهدین" قرار میداد.

جهاد و کوب بخت پاکستان

بهانه "جهاد" در افغانستان و تاسیس "بانک خون" افغان در پاکستان، و ایجاد پایگاه های تروریستی و تجاوزکارانه که بر شانه های مردم افغانستان و آرزوی به آتش کشیدن و بالاخره استعمار سرزمین افغان بنا یافته بود، این فرصت را برای پاکستان ایجاد نمود تا با ایجاد چشمه زارهای بزرگ مالی که از منابع باد آورده غرب و جهان عرب بنام جهاد افغانستان تدارک تهیه و تمویل میگردد، پاکستان را به کشور نیرومند و شگرفا مبدل نماید.

در تداوم برنامه ریزی خرابکارانه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، بریژنسکی مشاور امنیت قصر سفید با جنرال ضیا حاکم خونخور و نظامی پاکستان این مرکز شرارت و کانون شیطننت ملاقات نمود. پاکستان که پیوسته منافع "کلیدی" خویش را در افغانستان جستجو مینمود آغوش خویش را در برابر خواست های روز افزون ایالات متحده آمریکا، برای ایجاد پروژه های خونین بیش از پیش باز نمود و کنگره ایالات متحده آمریکا که تا آن زمان کمک های نظامی خویش را بخاطر تاریخیه بد پاکستان، جهت تلاشهای آنکشور برای ساختن بمب اتم، نقض حقوق بشر، و جریان قاچاق مواد مخدر قطع نموده بود بخاطر مساعی مشترک پاکستان در راه تحقق اهداف استراتژیک آمریکا در افغانستان، آنرا دوباره آغاز و برای چرخانیدن ماشین جنگی پاکستان به دوران انداخت.

نبرد ارتش "سُرخ" شوروی با ارتش "سبز" آمریکا

- (ویدیو کلیپ -3*)

قبل از پیوستن سربازان شوروی در نبردهای کشورهای، برای آنها گفته شده بود که ایشان در افغانستان، در برابر آمریکایی ها این پیکار را انجام میدهند. با آنکه در آغاز عدم حضور آمریکایی ها در صحنه جنگ برای سربازان شوروی سوال برانگیز بود اما بعداً جریانات حقیقی پشت پرده واضح ساخت که آمریکا با تجهیز و تمویل مادی و معنوی برای منافع راهبردی خود توانست تا با تشکیل گروه های تروریستی و بسیج هزاران تروریست از سراسر جهان، و داخل کشور، لشکر رزمی "سبز" را با ترکیب اعجاب انگیز در افغانستان ایجاد نماید.

پیوست با اشتعال شدید جنگ سرد، آمریکای ها که پالیسی خارجی جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا را ضعیف ارزیابی مینمودند، در انتخابات سال ۱۹۸۰، رونالد ریگان را به حیث رییس جمهور آمریکا برگزیدند. ریگان در مراسم "سوگند" متعهد شد که "استوره" های نظامی آمریکا را احیا خواهد کرد. وی احیای این استوره را با ریزش خون افغانها در صحرا های افغانستان و مشارکت دهها هزار رگانگستر دیوانه، تروریست و "اوباش" عرب، پاکستانی، ایرانی . . . و تشدید جریان جنگ سرد و رویارویی با رقیب پیشین اش اتحاد شوروی در جبهات نبرد افغانستان میدید، ازینرو بالاوقفه و در شروع ماموریت خویش به حجم کمک های نظامی برای ("مجاهدین") افغانستان افزوده و انبار سلاح های پیشرفته بشمول راکت های "استنجر" و مهمات جنگی را از طریق پاکستان برای "مجاهدین" سرازیر نمود.

"مجاهدین" دسته های متعدد جنگی را که در خط قومی و قبیله‌ای منقسم شده بود ایجاد و هراز گاهی ضمن نبرد با سربازان شوروی، به نبردهای خونین میان تنظیمی نیز پرداخته و نقش خویش را در ترکیب احصائیة اغراق آمیز و توهم انگیز "دو میلیون شهید" افغانستان برجسته ساختند.

در جریان نبرد، "مجاهدین"، با تصرف وسایط نظامی مبنی بر خصوصیات ویژه خویش با روحیه چپاولگرانه آنرا از کار انداخته و اسباب و پرزه های آنرا چپاول مینمودند.

در بهبوهه اوضاع پر تشنج افغانستان و سرا زیر شدن سیل بی از کمک های غرب و دول مرتجع عرب از طریق پاکستان برای "مجاهدین"، دولت پاکستان ابتکار توزیع این جنگ افزارها را برای "مجاهدین" در دست گرفت و تلاش نمود تا به آرزوی تأسیس رژیم "بنیادگرا" در افغانستان عناصر "اکسترمیست" و عمال خود چون گلبدین حکمتیار را برای دسترسی کامل به سرنوشت کشور، به

دایره اقتدار بکشاند، بنا بر آن، قسمت اعظم این کمک های باد آورده را در اختیار حکمتیار قرار میداد. چنانچه "Elikkarkowski" مدیر دیپارتمنت دفاعی قصر سفید درین خصوص میگوید: پاکستان به گروپهای در داخل افغانستان نیاز داشت تا بتواند در آن اعمال نفوذ نماید، بدینوسیله قسمت اعظم کمکهای پاکستان برای گلبدین اختصاص یافت تا برای گروپهای دیگر؛

میتوان اظهار داشت که پیوند و همبستگی احزاب و دولت های جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی بر اساس مناسبات ایدئولوژیک در چهار چوب اینترناسیونالیزم استوار بود، اما شگفت انگیز است تا بدانیم که کدام رشته ها ارتباط "آهنین" را، میان اردوگاه جهاد و دولت آمریکا پیوند داده بود؟

در روند تحولات سیاسی در کشور و در پایان فصل جنگ سرد، ارتش "سبز" نیز متحول گردید و به دو شاخه نسبتاً متجانس منقسم گردیدند، البته یکی آن بنام ارتش "سیاه" با ترکیب حزب اسلامی و گروه "طالبان" که به ابتکار آمریکا ایجاد شد و اکنون هردو به ارتش "ملیشه" پاکستان مبدل شده و ظاهراً با ارتش "سیا" درگیر است، و دیگری بنام ارتش "رنگه" تحت شعاع سیاست امریکا و در حمایت از آن، در تشکیل حاکمیت کرسی و بیرون از آن فعالیت مینمایند. البته به نظر این قلم اکنون جز رگه های هیولای تروریستی با زماندگان عرب، چیزی بنام "ارتش سبز" با تفکرات پیشین دیگر در افغانستان وجود ندارد و همگان با "تجاوز" امریکا در افغانستان به نوعی با بستن فصل (جهاد!) در افغانستان در چهارچوب سیاستهای بزرگ، قالب بندی گردیده اند.

دلچسپ است که دیروز آنانیکه در سنگرهای نبرد برای ویرانی و برپادی افغانستان، در مقابل اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان و ارتش سرخ می رزمیدند، لقب "سربازان خدا" را از آن خود نموده بودند و امروز همه آنها در نبرد علیه ارتش غرب و آمریکا از القاب "تروریست" برخوردار میباشند.

فقید ببرک کارمل و تحولات "ششم جدی"

مرحوم ببرک کارمل که در اینجا (در ویدیوی شماره 2) از وی به حیث "رهبر مدبر" و اداره گر خوب نام گرفته میشود، در اوایل پیروزی قیام ثور و مخالفت شدید با اقدامات شتابنده رژیم وقت و با بروز اختلافات در کادر رهبری حزب، از افغانستان تبعید ساخته شد. وی در آستانه اعزام نیروهای شوروی در افغانستان، دوران تبعید را در کشور چک و سلواکیا سپری مینمود، پس از سقوط و قتل حفیظ الله امین همراه با برخی رهبران حزب از جمله داکتر نجیب الله و بخش رهبری هواداران مرحوم نورمحمد تره کی از جمله اسدالله سروری، سید محمد گلابزوی، محمد اسلم وطنجار، و شیرجان مزدوریار، به کشور برگشت و بطور ناخواسته خود را در برابر یک عمل انجام شده یافت.

با توجه به وضع نهایت بحران زای آنوقت و با توجه به تجارب و پیشینه های کاری و مبارزات مردمی و سطح تاثیرگذاری در بحران زدایی کشور، وی با در نظر داشت اهمیت عنصر زمان در میان شعله های آتش و برای مهار ساختن آن، در اوج تجاوزات و مداخلات مستمر غرب و پاکستان در کشور، جهت ادای رسالت در برابر مردم، در فقدان هرگونه الترناتیف دیگر، مسئولیت رهبری حزب و دولت را بدوش گرفت. ماموریت جدید فقید کارمل در حقیقت انسداد یک جویبار خون بود که از سوی امین براه افتیده بود، وی با ایجاد پالیسی های مسالمت آمیز ملی و مردمی نظام، سعی نمود تا روح انساندوستانه رژیم را به نمایش گذاشته و زخم های هموطنان ستمدیده مان را مرهم گذارد. در نخستین اقدام وی، هزاران زندانی به شمول رهبران "مجاهدین" که برای مرگ خویش لحظه شماری مینمودند از زندانها رها گردیدند.

در تاریخ معاصر افغانستان در عصر فقید ببرک کارمل بود که در سیمای رژیم، چهره واقعی "ملت" تبارز یافت. بساط و ساختار قدرت وی یک کانون کامل و عادلانه مشارکتی برای تمامی اقوام ملیت ها قبایل و مذاهب افغانستان بود. اتحاد و همبستگی ملی در ارکان جامعه و دولت از حد اعلا درخشش ملی و اجتماعی رخشنده خاص داشت و شمه از تبعیض و تمایز ملی و مذهبی بصورت کُل در آن رژیم وجود نداشت. او با بستر سازی تربیت هزاران کادر تحصیل یافته و تخصصی در شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی، به معنای واقعی، نظام شایسته سالار را در افغانستان بنا نهاد. در نظام وی که متکی بر نظم و قانون بود، در همه قدمه های آن حس احساس مسئولیت در برابر انسان وطن، تقوا و پرهیزگاری موج می زد. وی با هوشیاری سیاسی خود با توجه به موقعیت شکننده بین المللی افغانستان، از کمک های اتحاد شوروی استفاده اعظمی نموده و از آن در زیرساخت های اقتصادی - اجتماعی و بنیاد یک ارتش مجهز منطوقی، منظم مجرب و کارآموده که جوهر رزمی و وطنپرستی خود را در جریان "گو شمالی" تجاوز پاکستان در جنگ حماسه ساز "جلال آباد" به نمایش کشید به آزمون گذاشت.

وی وحدت از هم گسیخته حزب را با تمام شکیبایی احیا، و حزب رزمنده پر تحرک، منضبط و خدمتگذار را در جامعه تقدیم نمود. در بُعد حیات مادی، جزء میراث پربهای معنوی، از زنده یاد ببرک کارمل به حیث رییس جمهور کشور، هیچ چیزی بنام جیفه مادی در دنیای ما باقی گذاشته نشده و این خود دال بر عالیترین نگرش مردم دوستی و وطنپرستی رهبر فقیر مشرب و فقید حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. زنده یاد ببرک کارمل با حفظ تعهدات ملی، از امضای هرگونه معاملات و قرارداد های اسارتبار ضد ملی در عهد حاکمیت خویش اجتناب نموده و کلید حفظ تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی را با کُل امانت داری برای جانشین خویش داکتر نجیب الله، واگذار

گردید. فقید ببرک کارمل که در واپسین لحظات حاکمیت اش، از جانب مشاورین شوروی بنام "انٹی سویتست" یعنی ضد شوروی یاد میشد، به حیث آگاه ترین رهبر و اصلی ترین ستون مقاومت در برابر دسایس غرب و پاکستان و به حیث مانع عمده در برابر مقاصد تجاوزکارانه و غارتگرانه آنان در یک توطئه سازمان یافته در چهارچوب یک ائتلاف سری که بنام "ائتلاف دو ستانه" (Friendly coalition) به مشارکت قصر سفید، اسلام آباد و ماسکو عصر گرباچف، ایجاد شده بود، سبکدوش ساخته شد (ویدیو کلیپ شماره 4*). گفتنیست که لاجرم همین "ائتلاف" شیطانی سرنگونی حاکمیت ح.د.خ.ا. و شهادت مظلومانه داکتر نجیب را نیز مدیریت نمود که با تفصیل در نوبته قبلی ام، تحت عنوان (رازهای ناگفته توطئه سقوط نظام دموکراتیک و درسهای زهرآلود تاریخ در افغانستان) به تفصیل و بطور مستند بر حکم تصویر بیان شده است.

فقید ببرک کارمل در آستانه برکناری اش از مسند قدرت، چنان آماج خشم و کینه این ائتلاف قرار گرفت که هرگاه مقاومت جسورانه و دلاورانه شهریان شجاع شهر کابل، رزمندگان حزب و تظاهرات نیرومند و اعتراضات شدید سازمانها، مؤسسات اداری، کارگری، تعلیمی و تحصیلی ده روزه شهریان کابل راه اندازی نمی گردید ممکن سرنوشت مرگباری را در پی میداشت؛

طرح خروج ارتش سرخ از افغانستان

محتویات نوار های مستند بر حقایق جریان طرح خروج ارتش شوروی از افغانستان روشنی عمیقی بخشیده و برخلاف هذیان گویی های یاوه سرایان متعصب و نابینایان مسخ شده سیاسی، بیان میدارد که: برای بار نخست طرح خروج نیروهای شوروی از افغانستان در زمان حاکمیت فقید ببرک کارمل آغاز شد. مرحوم کارمل درست پس از احراز مسئولیت حزبی و دولتی سعی نمود تا در چهار چوب یک میکانیزم با اعتبار و تضمین معتبر بین المللی برای عدم مداخله در امور افغانستان، طرح مرحله یی خروج سربازان ارتش سرخ از افغانستان را به کرسی نشاند. چنانچه بطور مستند در این ویدیو می بینیم که بنا بر ابتکار جانب دولت افغانستان و اتحاد شوروی تحت سرپرستی ملل متحد، مذاکرات سیاسی حول خروج نیروهای ارتش شوروی از افغانستان آغاز شد، و جانب جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاریخ ۴ می "۱۹۸۰" یعنی حدود چهار ماه بعد از ورود ارتش شوروی در کشور، اعلامیه رسمی را که حاوی قطع مداخلات از خارج و خروج نیروهای شوروی از افغانستان بود به نشر رسانید. هکذا "کورت والد هایم" سر منشی سازمان ملل متحد، جناب خاویر پریز دوکویار معاون سرمنشی ملل متحد را مامور ساخت تا گفتمان مربوط را با جوانب زیربط آغاز نماید، وی دوبار در آغاز "۱۹۸۱" و در ماه اگست همان سال در کابل، اسلام آباد و تهران سفر نمود و حین سفر خویش در کابل، تلاش نمود تا ضمن ملاقات با فقید ببرک کارمل، به آرزوی قطع مداخلات خارجی، برگشت

ارتش شوروی از افغانستان را که به ابتکار جانب افغانستان راه اندازی شده بود، مورد بحث قرار دهد.

در راستای تحرکات، جانب دولت افغانستان برای حصول توافق بین المللی برای عدم مداخله و برگشت ارتش سرخ به کشورشان، بعد از درگذشت لئونیید بریژنیف رهبر اتحاد شوروی در نوامبر ۱۹۸۲، اندرویوف رهبر جدید حزب کمونست اتحاد شوروی در حاشیه مراسم تودیی رهبر پیشین حزب، بیرامون ابتکار جانب افغانستان، با وزیر خارجه پاکستان ملاقات نموده و آمادگی ماسکو را برای پذیرش طرح ملل متحد و خروج سربازان شوروی از افغانستان مطرح نمود. اما سوگوارانه جانب آمریکا و پاکستان مبنی بر مقاصد استراتژیک و انتقام جویانه خویش با این طرح گویا به حیث یک "نمایش سیاسی" نگاه کرده و به آن مخالفت نمود. چنانچه "Charles Cogan" مدیر سابق و بلندپایه "سیا" میگوید: ما هرگز "آمادگی شوروی" را در این خصوص مورد بررسی قرار ندادیم و به آن اعتماد ننمودیم، در مقابل ما، جانب پاکستان را تحت فشار قرار داده تا پیوسته بر فشارهای خویش بر جانب افغانستان ادامه دهد.

آری! این فشارها ادامه یافت لاجرم نیروهای اتحاد شوروی تحت توافق نامه یکجانبه معامله گرانه، تسلیم طالبانه و خاینانه گرباچف در عهد حاکمیت داکتر نجیب الله بدون هیچ پیش شرط تضمین کننده بین المللی، افغانستان را ترک نمود، متعاقباً مجموعه کمک های نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی حتی صدور گندم و نفت در برابر پرداخت دالر به جانب افغانستان قطع گردید و کمک های سیل آسا و مداخلات گسترده غرب، دول مرتجع عرب و دولت خونتای پاکستان و ایران برای اپوزیسیون دولت افغانستان ادامه یافت، که البته در این مورد در نوشتار قبلی ام تحت عنوان (رازهای نا گفته توطئه سقوط نظام دموکراتیک و درس های زهرآلود تاریخ) بطور مفصل و مستند تشریحات لازم ارائه شده است؛

استنتاج در یک نگاه

با مداخلات تجاوز کارانه و مساعدتهای مالی و تسلیحاتی بیش از "یک صد" کشور جهان علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و در فرجام سقوط آن، تابش امیدهای ترقیخواهانه و عدالت جویانه در کشور غروب نمود. مداخلات غرب؛ پاکستان، ایران و ارتجاع عرب، کماکان ادامه یافت تا اینکه افغانستان را به تلی از خاک مبدل ساخته و آنرا به بستر مطمئن اهداف شوم خویش و لانه مطمئن تروریسم و "پایتخت" تولید و قاچاق مواد مخدر در جهان مبدل نموده و نظام ارتجاعی طراز قرون وسطائی و امارت طالبانی و نظام "فساد سالار" را با قبای فریبنده دموکراتیک در افغانستان تحمیل

نموده، و در فقدان اراده توانای ملی، امروز طرح تاسیس پایگاه های طولانی مدت آمریکا برای اهداف راهبردی و مأموریت منطقی آن در دستور روز قرار داده شده است.

کلی ترین نتایجی که از این سناریوی آمیخته با اشک و خون، ترسیم میگردد، در یک کلام مختصر عبارت است از تباهی مردم، ویرانی کشور و گشایش سیاه ترین صفحه تاریخ بعد از سقوط نظام دموکراتیک در کشور، ظهور تروریسم، بنیاد گرائی و مواد مخدر در افغانستان، اعتلاء و شگوفایی پاکستان و تبدیل آن به کشور اتمی در منطقه، تحقق برنامه های استراتژیک آمریکا و کشاندن یای "ینجاه کشور" خارجی در کشور، و تصویر آینده نهایت دردناک و فاجعه بار در کشاکش رقابت های قدرتهای منطقی و جهانی و تاسیس یک رشته قصرهای طلایی و ذخایر ثروتهای عظیم بوسیله رهبران ارشد و تاجران بلند پایه "جهاد" در افغانستان؛

ذکر این نکته نیز در خور اهمیت است که نظام دموکراتیک در افغانستان بویژه در دوران "دفاع مستقلانه" در میدان رزم و پیکار، قدرت و پایداری خود را آشکارا به نمایش گذاشت، اما با تکرار چرخ تاریخ در کشور، این نظام در میدان سیاست و بازیهای دراماتیک و شیطننت آمیز ابرقدرتهای جهان و نیروهای طاغوتی منطقی و عمال داخلی آنها سقوط کرد. همانقدر که "مجاهدین"، غربی ها را مدیون احسان خویش در نبرد "جنگ سرد" و "فاتح!" دیوار "برلین" میپندارند، باید بیاد داشته باشند که برعکس غربیها، تسلط "مجاهدین" بر دایره قدرت در کشور را، مدیون تجاوزات سخاوتمندانه خود تلقی نموده و آشکارا بیان میدارند که: "خون" از افغان ها، اهداف از ما!

اما نگرش واقعی دال بر این حقیقت است که نه اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان بازنده این نبرد بود، و نه غرب، پاکستان و هواداران شان "مجاهدین"، بیروزمند آن، بل هنر گشایش این راز، در خیانت گرباجف رهبر پیشین اتحاد شوروی و تغییر سیاست تسلیم طلبانه او به نفع غرب و شرکاء نهفته است. بنا بر قول "جانتان استیل" نویسنده مشهور بریتانیا که در روزنامه گاردین، تحت عنوان (ده استوره در باره افغانستان)، در سال ۱۹۸۸ میلادی ارقام یافته است، ادعای "مجاهدین" برای شکست شوروی در افغانستان و حتی گزافه گویی های فروپاشی آن نظام، "یُف" بزرگی را بیان مینماید.

سوگوارانه که در میدان بازی کشور، و یا در این "مسلخگاه" در دور فینال مسابقات "افغان کُشی" کسانیکه با کاربرد ضربات اخیر پناالتی "کپ قهرمانی" را از آن خود ساخت غرب و پاکستان و بازنده اصلی آن ملت افغان بود.

اخيراً در یک انکشاف غیر مترقبه دیگر در حالیکه این نوشتار را تحت نگارش داشتم "جوبایدن" معاون رئیس جمهور آمریکا، پس از نبرد دهساله با "طالبان"، اظهار داشت که "طالبان" "دشمن" آمریکا نمی باشند. یعنی که طی این نبردی که تا کنون دهها هزار قربانی و ویرانی را بجا گذاشته است ایالات متحده آمریکا با "دوستان" خویش سرگرم بازی بوده اند!

برای اثبات ادعای معاون رئیس جمهور، اینک لازم میدانم تا فوتوی یادگاری سربازان آمریکایی با "طالبان" را که تا کنون در هیچ یکی از رسانه های جهان بنشر نرسیده است و از ولایت ارزگان افغانستان بدست آمده است، بنشر رسانیده و قضاوت خوانندگان گرامی را در خصوص این "جنگهای زرگری" و بازی به سرنوشت ملت بلا کشیده افغان جلب نمایم:



در تداوم این سناریوی دردناک و فلج کننده اکنون ملت افغانستان به مثابه "ناخون افگار" در میان گُرگان شکاری" به گروگان کشانیده شده و بطور مصنوعی چنان فضای اجباری ایجاد شده است تا باشد این ملت رنجدیده تحت سایه های "تیوری ترس" به هر گونه مقدرات فاجعه بار گردن نهند؛ اما یک سوال اساسی که تا کنون بی پاسخ گذاشته شده عبارت از این است که همین ("مجاهدین"!))، با نیایش در برابر پروردگار عالم، برای امحای نظام هم اندیشان و همسنگران پیشین شان (طالبان کرام) خواهان تجاوز آمریکا، در افغانستان بودند، و با تهاجم آمریکا به کشور، در سنگرهای داغ، با ارتش آمریکا دمساز گردیده و نمازهای شکرانه بجا آوردند، در حالیکه خروج ارتش آمریکا را درین روزها از افغانستان، "ما تم ملی" تلقی نموده، چرا تا کنون دود، تنفر اعزام نیروهای دعوت شده

کشور همسایه، اتحاد شوروی را که آنهم عملاً برای ماموریت مبارزه با دهشت افگنی و تروریسم در کشور دعوت گردیدند و بدون عقد هر گونه موافقتنامه استراتژیک، کشور را ترک نمودند، از دماغ بیرون میکشند؟

دردا!

فیلمهای مستند: - لطفاً با لای لینکهای ذیل کلیک نمایید:

1. <http://www.youtube.com/watch?v=w8Vmx9Pg5Js>
2. <http://www.youtube.com/watch?v=zoXo9eVO1x0>
3. <http://www.youtube.com/watch?v=ISyeBbV3tPg&feature=related>

www.esalat.org